



# بهره‌گیری از

# ابعاد سیاسی حج

محمد محمدی اشتهااردی

اشاره:

حج در اسلام، ذخیره‌ای ارزشمند، بلند پایه و جاوید و چشمه‌ای همیشه جوشان با جویبارهای گوارا، زلال و یک مکتب سازنده و بالنده است و همواره تشنگان را به سوی خود می‌طلبد تا به آنها حیات و نشاط ببخشد.

حج، تنها یک عبادت محض و خودسازی بدون توجه به اجتماع نیست؛ بلکه حج: در عین آنکه خودسازی است، وسیلهٔ جامعه سازی است.

و در عین آنکه موجب ارتقاء فضائل اخلاقی است، وسیله‌ای برای سامان بخشیدن سیاست اسلامی است.

و در عین آنکه گناه زدائی است، وسیله‌ای برای امام شناسی، و حرکت در مسیر جهت‌گیری امام بر حق است.

باکمال تأسف، بیشتر حاجیان، از حج تنها به پوسته‌ای از آن قناعت کرده و مغز آن را به دور افکنده‌اند، و با اینکه حج را وسیلهٔ تفریح و سیر و سیاحت و یا تظاهر و تهیهٔ وسائل مادی و شخصی خود قرار داده‌اند، و هرگز به روح آن توجه نمی‌کنند. روشن است که چنین حجی، حج ابراهیمی و حج محمدی - ص - نخواهد بود.

حج در اسلام در عین اینکه پاکترین و عمیقترین عبادت برای تطهیر و شستشوی روح و روان از هرگونه آلودگی است، مؤثرترین وسیله برای تبیین و پیشبرد اهداف سیاسی است، و اصولاً نمی‌توان حج را از دو خصیصه «عبادت» و «سیاست» جدا کرد، که این دو تار و پود حج را تشکیل می‌دهند، چرا که روح عبادت، توجه به خدا است، و روح سیاست توجه به خلق خدا، و این دو در مراسم حج آنچنان بهم آمیخته‌اند که جدا کردن هر یک، مساوی با نابودی اصل حج است، به عبارت روشتر امور سیاسی در سطح عالی و کامل، آنچنان در یکایک دستورهای حج، جریان دارد، که خون در پیکر انسان جاری و ساری است، و آنانکه منهای توجه به جنبه‌های سیاسی حج، به انجام مراسم حج می‌پردازند، و تنها به پوسته‌ای از ظواهر عبادی حج قناعت می‌کنند، قطعاً بدانند که حج را از محتوایش خارج کرده، و هیچگونه بهره صحیح از آن نخواهند برد، برای دریافت این مطلب به روایت زیر توجه کنید:

عصر امام باقر - ع - بود، طاغوتیان بنی امیه بر سراسر نقاط اسلامی حکومت می‌کردند، اکثر مردم دنباله رو آنها بودند، و از اسلام جز پوستی دیده نمی‌شد، حج آنها نیز همان حج طاغوتی بود، در ظاهر طواف کعبه می‌کردند و فریاد لبیک لبیک، سر می‌دادند، ولی امام حق را نمی‌شناختند، و یا اگر شناخته بودند، بجای پیروی از او، به دنبال طاغوت عصر، حرکت می‌نمودند.

امام باقر - ع - همراه یکی از روشن دلان به نام ابو بصیر، در مراسم حج شرکت نمود، ابو بصیر، ناله و فریاد و صدای گریه بسیار شنیده گفت: «مَا أَكْثَرَ الْحَجَّاجِیْنَ وَ أَعْظَمَ الصَّحِیْحِیْنَ»: «چقدر حاجی زیاد است، و گریه مردم، عظیم و گسترده می‌باشد».

امام باقر - ع - (که به روح حج توجه داشت و هرگز فریب ظاهر را نمی‌خورد، و حج بوجهلی را با حج ابراهیمی، کاملاً تشخیص می‌داد)، به ابو بصیر فرمود: «بَلْ مَا أَكْثَرَ الصَّحِیْحِیْنَ وَ أَقَلَّ الْحَجَّاجِیْنَ»: «بلکه گریه کننده بسیار است، اما حاجی اندک...»<sup>۱</sup>

جمعی از کوته بینان، بخاطر عدم درک محتوای عمیق اجتماعی - سیاسی حج، با تبلیغات دامنه دار خود باورانده‌اند که نباید حج را با مسائل سیاسی در آمیخت. حضرت امام خمینی - قدس سره - این گونه منطق سست را به شدت محکوم کرده، و در فرازی از گفتارش می‌گوید:

«یکی از فلسفه‌های بزرگ حج، قضیه بعد سیاسی او است، که دست‌های جنایتکار، از همه اطراف، برای کوبیدن این بعد در کار هستند، و تبلیغات دامنه‌دار آنها مع‌الاسف در مسلمین هم تأثیر کرده که مسلمین سفر حج را بسیارشان یک عبادت خشک خالی بدون توجه به مصالح مسلمین می‌دانند، حج از آن روزی که تولد پیدا کرده است، اهمیت بعد سیاسی‌اش کمتر از بعد عبادی‌اش نیست، بعد سیاسی علاوه بر سیاستش، خودش عبادت است»<sup>۲</sup>

در فراز دیگر می‌گوید:

در لبیک لبیک، «نه» بر همه بت‌ها گوید و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوتچه‌ها کشید، و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید، و به موازات عشق به حق از بتهای بزرگ و کوچک، و طاغوت‌ها و وابستگانشان، برائت جوید که خدای تعالی و دوستان او، از آنان برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند... و با حال شعور و عرفان به مشعر الحرام و عرفات روید، و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید، و با سکوت و سکون، تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید.<sup>۳</sup>

**بهره‌گیری سیاسی پیامبر (ص) و امامان - علیهم السلام - از مراسم حج و عمره**  
در این مقال مناسب است به ذکر چند نمونه از بهره‌گیری‌های سیاسی پیامبر اسلام - ص - و ائمه اهل بیت - علیهم السلام - پردازیم، تا شیوه صحیح برگزاری حج را آموخته و مشخصه‌های حج ابراهیمی و محمدی - ص - را بهتر بشناسیم.

## الف:

مانور توحیدی قهرمانانه پیامبر - ص - و همراهان هنگام طواف

پیامبر - ص - در سال هفتم هجرت (یکسال قبل از فتح مکه) بر اساس قطعنامه صلح حدیبیه، مجاز بود که برای انجام مناسک عمره، به مکه رود و سه روز در مکه بماند. آن حضرت، همراه دو هزار نفر از مسلمانان، به سوی مکه حرکت نمودند، در میقات محرم شده، با شکوهی به بلندای آفتاب وارد مکه گردیدند و به طواف کعبه پرداختند، مردم مکه از زن و مرد و کوچک و بزرگ به تماشای سیمای ملکوتی پیامبر - ص - و یارانش، صف کشیده بودند، جمال و شکوه پیامبر - ص - و یارانش، دیدگان آنها را خیره کرده بود، در این موقعیت بسیار مهم، که از نظر سیاسی، حساس و سرنوشت ساز بود، پیامبر - ص - به یارانش فرمود:

«شانه‌های خود را عریان کنید و به گونه‌ای (شکوه‌مندانه) طواف کنید تا مشرکان پوست ستر و بازوان قوی و پرتوان شما را بنگرند».

یاران، این دستور را اجرا نمودند، مشرکان در گرداگرد کعبه، صف کشیده بودند و طواف شکوه‌مند پیامبر - ص - و اصحابش را تماشا می‌کردند.

جالب اینکه: هرگاه غرض «لَيْتِكَ اللَّهُمَّ لَيْتِكَ» مسلمانان قطع می‌شد، «عبدالله بن رواحه» (یکی از سرداران اسلام) در حالی که شمشیرش را حمایل کرده بود، اشاره به پیامبر - ص - کرده، با حنجره‌ای نیرومند و فریادی رعد آسا، چنین «رجز» می‌خواند و (شعار می‌داد):

خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ      خَلُّوا فِكْلَ الْخَيْرِ فِي قَبُولِهِ  
يَا رَبِّ اِنِّي مُؤْمِنٌ لِقِيلِهِ      اِنِّي زَائِتٌ الْحَقِّ فِي قَبُولِهِ

«ای کافر زادگان! راه را بر رسول خدا - ص - بگشایید، راه بگشایید و بدانید که همه سعادت در پرتو پذیرش رسالت پیامبر خدا - ص - فراهم می‌شود.

پروردگارا! من به گفته آن حضرت ایمان دارم، و حق را در پذیرش فرمانش می‌نگرم،<sup>۴</sup> به این ترتیب می‌بینم، طواف کعبه، برای پیامبر - ص - و یارانش، به صورت مانور و نمایش قدرت، در برابر مشرکان درآمده بود، و در عین آنکه عبادت بود، تبلوری از سیاست و

شکوه اسلامی، برای سرکوبی مشرکان شده بود.

ب:

اعتراض شدید و علنی امام حسین - ع - به معاویه در مراسم حج

سال ۵۸ هجرت، دو سال قبل از مرگ معاویه بود، معاویه با طغیان و سرکشی بسیار مغرورانه، به کشتار علویان و شیعیان امام علی - ع - ادامه می‌داد، و با قلدری بی‌رحمانه‌ای، با آنها برخورد می‌کرد.

امام حسین - ع - در آن سال، در مراسم حج شرکت نمود، در کنار مراسم حج، در سرزمین منی همه بنی هاشم و شیعیان و افراد برجسته‌انصار را به یک‌گرد همایی دعوت کرد، بیش از هزار نفر، در محضر آن حضرت، اجتماع کردند، جمعی از تابعان و فرزندان اصحاب رسول خدا - ص - نیز حضور داشتند، امام حسین - ع - در آن اجتماع، برخاست و سخنرانی پرشوری کرد، در این سخنرانی، پس از حمد و ثنا فرمود:

«أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ الطَّغْيَةَ قَدْ صَنَعَ بِنَا وَبِشِيعَتِنَا، مَا قَدْ عَلِمْتُمْ وَرَأَيْتُمْ...»

«اما بعد: همانا این طاغوت (معاویه) برخوردهایی با ما و شیعیان ما نمود که همه شما می‌دانید و دیده‌اید و گواه بوده‌اید، و اخبار آن به شما رسیده است، من می‌خواهم اموری را از شما بپرسم، اگر راست گفتم، مرا تصدیق کنید و اگر دروغ گفتم، مرا تکذیب نمایید، گفتارم را بشنوید، و آن را به خاطر بسپارید و سپس وقتی که پس از مراسم حج، به محل سکونت خود باز گشتید، پیام مرا به افرادی که مورد اطمینان شما هستند ابلاغ نمایید، و آنها را به آنچه می‌دانید (از ستمهای معاویه، و پیکار با او) دعوت کنید، من ترس آن دارم با ادامه این اوضاع، «حق» فرسوده و نابود گردد، ولی خداوند نورش را تکمیل نماید هر چند کافران آن را نپسندند»

آنگاه امام حسین - ع - با بیان آیات قرآن و احادیث پیامبر - ص - پیرامون برتری علی - ع - و شایستگی او و فرزندانش برای امامت، استشهاد کرد، و در این راستا، هر فرازی را که بیان می‌کرد، حاضران با فریاد: «اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَدْ، سَمِعْنَا وَ شَهِدْنَا»؛ «آری خدا را گواه می‌گیریم، که این گفتار را (از رسول خدا «ص») شنیده‌ایم و به صدق آن گواهی می‌دهیم»، سخنان امام حسین - ع - را تصدیق می‌نمودند.

در پایان، بار دیگر امام حسین - ع - به آنها فرمود: «شما را به خدا سوگند می‌دهم که

هنگام بازگشت به اوطان خود، سخن مرا به افرادی که مورد اطمینان شما هستند ابلاغ کنید، و آنها را از دعوت من آگاه نمایید.<sup>۵</sup>

این حادثه نیز یک نمونه از بهره برداری سیاسی در کنار مراسم حج است امام حسین-ع- از اجتماع مسلمین در مراسم حج، بر ضد طاغوت عصرش معاویه، به کار برد. به این ترتیب، در این تابلو نیز، حج ابراهیمی را می‌نگریم، که تنها عبادت خشک نیست؛ بلکه در کنارش، مسائل مهم سیاسی مطرح می‌شود، و در شرایط بسیار سخت، مسأله رهبری حق، و اظهار نفرت از رهبری طاغوت، که یک مسأله کاملاً سیاسی است، عنوان می‌گردد.

### ج:

برخورد امام سجاد با طاغوت عصرش در کنار کعبه

یکی از فرازهای جالب تاریخی معروف که نشانگر آمیختگی مسائل سیاسی با مراسم حج است، ماجرای برخورد شدید امام سجاد-ع- با هشام بن عبدالملک، طاغوت اموی در کنار کعبه هنگام مراسم حج است، که خلاصه آن را در اینجا می‌آوریم:

عصر خلافت عبدالملک (پنجمین خلیفه مقتدر اموی) بود، پسرش هشام برای انجام مراسم حج، وارد مکه شد، او هنگام طواف، خواست حجرالاسود را استلام کند، ولی بر اثر ازدحام جمعیت نتوانست. در نزدیک حجرالاسود، منبری برای هشام نهادند، او بر بالای منبر رفت، جمعی از مردم شام به گرد او حلقه زده بودند، و او به تماشای طواف کنندگان پرداخت، ناگاه دید امام سجاد-ع- به طواف کعبه مشغول است وقتی که خواست، حجرالاسود را استلام کند، مردم با کمال احترام، برای او راه باز کردند، او با کمال راحتی، حجرالاسود را استلام نمود.

در این هنگام یکی از اهالی شام، به هشام گفت: «این شخص کیست که این گونه مورد احترام مردم است؟»

هشام، خود را به نادانی زد و گفت: نمی‌شناسم.

در این لحظه حساس، فرزندق، شاعر حماسه سرای خاندان رسالت-ع- که از شاگردان امامان اهل بیت-ع- بود، به آن مرد شامی گفت: «وَلَكِنِّي أَعْرِفُهُ: «ولی من او را می‌شناسم»

شامی گفت: این شخص کیست؟

فرزدق در معرفی امام سجاد قصیده معروف و پرتوان خود را خواند، این قصیده شامل

۴۱ بیت است، که با این مطلع آغاز می‌گردد:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَأْتَهُ  
وَ الْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِجْلُ وَالْحَرَمُ

«این مرد کسی است که سنگریزه‌های مکه، جای پای او را می‌شناسند، خانه کعبه و

بیابانهای حجاز، از بیرون حرم و داخل حرم، او را می‌شناسند».

هشام به خشم آمد، و دستور داد فرزدق را زندانی کردند، وقتی که امام سجاد -ع- از

زندانی شدن او باخبر شد، برای او دعا کرد، و از او دلجوئی نمود، و دوازده هزار درهم برای او

فرستاد، فرزدق آن را پذیرفت، امام سجاد -ع- برای او پیام داد:

«به خاطر حقی که بر تو دارم، این مبلغ را از ما بپذیر، خداوند به مقام معنوی و نیت پاک

تو آگاه است»، آنگاه فرزدق آن مبلغ را پذیرفت، و در زندان، اشعاری در سرزنش هشام

سرود.<sup>۶</sup>

\* \* \*

در این تابلوی زیبا می‌بینیم: امام سجاد -ع- هنگام طواف کعبه، به شوکت هشام، اعتنا

نکرد، و عمل فرزدق را در آنجا که کاملاً جنبه سیاسی داشت، ستود و از او دلجویی کرد، و

برایش دعا نمود و دوازده هزار درهم فرستاد، و به نیت پاک او ارج نهاد و او را کاملاً تأیید

نمود.

آیا این تأیید و این صحنه، بیانگر آن نیست که مطرح کردن مسائل سیاسی در کنار

عبادت پرشکوه حج، محبوب و مقبول امامان معصوم بوده است؟

در اینجا می‌افزایم که حضرت مهدی -عج- در کنار کعبه، قیام و ظهور می‌کند، و مردم

بین رکن و مقام با آن حضرت بیعت می‌نمایند.<sup>۷</sup>

در پایان این مقال، به دو جمله کوتاه ولی پر معنا از امام صادق -ع- و حضرت زهرا -س-

پیرامون فلسفه حج، توجه کنید:

حضرت زهرا -س- فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ»؛ «خداوند، حج را مایه

استحکام و تقویت پایه‌های دین نمود».<sup>۸</sup>

امام صادق -ع- فرمود: «لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِماً مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ»؛ «مادام که خانه کعبه بر

پا است، اسلام هم بر پا است»<sup>۱</sup>.  
 براستی، آن حجی که تنها به بعد عبادی او توجه گردد، و بعد سیاسی آن که مهمترین  
 فلسفه حج را تشکیل می‌دهد، فراموش و ترک شود، آیا موجب استحکام دین، و استواری آن  
 خواهد شد؟ مسلماً جواب منفی است.



#### پاورقی‌ها:

- ۱ - مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۱۸۴ - بحار، ج ۴۷، ص ۷۹ - نظیر این مطلب، از امام صادق - ع - نیز نقل شده است (بحار، ج ۲۷، ص ۱۸۱)
- ۲ - صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۶ و ۶۷
- ۳ - صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۸
- ۴ - اقتباس از کحل البصر، ص ۱۱۹ - مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۲۷.
- ۵ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۸ و ۱۹.
- ۶ - بحار، ج ۴۶، ص ۱۲۷.
- ۷ - سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶.
- ۸ - اعیان الشیعه، چاپ جدید، ج ۱، ص ۳۱۶.
- ۹ - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴.